

## رستم شاهنامه، نماد رؤیای ایرانی

## آیا جامعه ایرانی در اعماق هویت تاریخی خود یک کهن الگوی ایرانی دارد؟



دکتر مسعود سپهر

استاد دانشگاه و پژوهشگر جامعه‌شناسی سیاسی

رؤیای آمریکایی بسیار مشهور است. مردی تنها که پس از گذر از اقیانوس با جیب خالی و آرزوهای بزرگ در بند ریاضه می‌شود و پس از مدت زمانی نه چندان بلند، ثروتمند و جذاب، در حالی که دختران زیبارو را در ماشین کوبه خود سوار کرده و باد صورتش را نوازش می‌کند از درب کاخ آرزوهایش می‌گذرد. تصویری آشنا در هالیوود که یکی از سمبل‌های مشهور آن، آرنولد، که با ۲۰ دلار در جیب، پایه ساحل می‌گذارد و نه تنها از مشهورترین و پولسازترین هنرپیشه‌های می‌شود که به فرمانداری کالیفرنیا و دامادی خانواده‌کندی هم می‌رسد. رؤیای آمریکایی از این رو اهمیت دارد که بهترین نخبگان را که در سرزمین مادری خود از پیشرفت ناامید شده‌اند، برای مهاجرت به ایالات متحده، ترغیب می‌کند و در داخل کشور هم رقابت و توسعه را دامن می‌زند. رؤیای آمریکایی ریشه در تاریخ کوتاه آمریکا و همه سرگذشت‌هایی دارد که سینه به سینه و از طریق فیلم و رسانه تبدیل به اسطوره این ملت جدید شده است. رؤیای آمریکایی اسطوره خوشبختی و رستگاری یا به تعبیری دیگر همان کهن الگوی ناخود آگاه جمعی آمریکایی هاست.

آیا جامعه ایرانی نیز در اعماق هویت تاریخی خود یک کهن الگوی رؤیای ایرانی دارد؟ بی‌تردید همه ملت‌ها رؤیاهایی دارند که ریشه در تاریخ و جغرافیای آنها دارد و بسیاری رفتارهای آنها را توضیح می‌دهد. مبنای چنین ادعایی این پیش فرض است که یک ملت همانند پیکره یک موجود زنده است و اعضای یک ملت چون سلول‌های یک پیکربندی زنده با هم رابطه اندام وار دارند و با وجود تغییرات در سلول‌ها، آن موجود زنده به حیات و رشد و حرکت خود ادامه می‌دهد. همان‌طور که یک انسان بدون رؤیای بدون هویت و انگیزه است، یک ملت بدون رؤیایز چنین است. برای بازآبایی رؤیای ایرانی، باید به سراغ آن دو کتاب فارسی رفت که در طول تاریخ بیش از هر کتابی توسط ایرانیان خوانده شده است و در بیشتر خانه‌ها پیدا می‌شود. شاهنامه فردوسی و دیوان حافظ به این دلیل این مقام را دارند که زبان گویای ناخود آگاه جمعی ایرانیان هستند. سلطان محمود ترک تبار پس از دریافت شاهنامه گفت: این کتاب سراسر قصه رستم است و من در لشکر خود هزار رستم دارم و پاسخش شنید که همه می‌دانند رستم یگانه است. اسطوره رستم کهن الگوی ایرانیان است. ایرانیان همه می‌خواهند رستم باشند و اگر نتوانند رستم شدن هموطن خود را دوست می‌دارند. ویژگی رستم عیاری اوست، پهلوانی که با قدرت و صلابت و محبوبیت خود همیشه پیروز است و می‌تواند شاه باشد اما همواره دیگران را به شاهی می‌رساند. مردی که از ستیزان می‌گیرد و به مردمان می‌بخشد. پهلوانی که پس از هر بار پیروزی به خانه خود در سیستان بازمی‌گردد. الگوی بزرگان تاریخ ایران که همیشه حتی عرب‌ها و ترک‌ها را به سلطنت رساندند و خود وزیر شدند و عجب آنکه چون رستم عاقبت به دست نزدیکترین نمک پروردگان خود کشته (شهید) می‌شدند. قهرمانان بزرگ ما اصولاً شاهان نیستند. ابومسلم، برمکیان، حسنک وزیر، رشیدالدین فضل‌الله، قائم مقام، امیر کبیر و مصدق هستند. عیاری رؤیای ایرانیست که حتی در فیلم‌فارسی‌ها هم مهم‌ترین سوژه است و بیشترین مخاطبان ایرانی را به خود جلب می‌کند. این روزها که موج عظیم مردمی را در سوگ شهادت سردار سلیمانی دیدیم بر احنی می‌فهمیم چطور او شبیه‌ترین فرد به رستم در زمانه ما بود. پهلوان شکست‌ناپذیر که هر جاذمی بود حاضر می‌شد ولی خود شاه نمی‌شد و دیگران را به شاهی می‌رساند. در اولین فرصت به کرمان برمی‌گشت و عاقبت بر گشت پس از آنکه به نامردی به دست کسانی ترور شد که بیشترین برخورداری را از خدمات او در مبارزه با تروریسم داشتند. برای همین هم هست که در سوگ حسین (ع) عباس علمدار پیرنگ تراست. رستم رؤیای ایرانی و اسطوره راه رستگاری است. اما حافظ ترسیم گر رؤیای ایرانی برای شیوه زندگی این جهانی است. اگر در رؤیای آمریکایی، نهایت خوشبختی، نمایش آنچه به دست آمده در برابر برق دوربین هاست،

خوشبختی ایرانی در درویشی یا لاف و انمود کردن به آن در کنجی امن است. در این بازار اگر سودیست یا درویش خرسند است خدا یا منعم گردان به درویشی و خرسندی تاریخ و جغرافیای ایران در چهار راه حوادث جهان، امنیت را در رأس دغدغه‌های ذهنی ایرانیان قرار می‌دهد. حتی رستم هم مظهر امنیت است در برابر دشمن بیرونی.

در تاریخ ایران هر لحظه ممکن است مهاجمی از در وارد شود یا حکومت اراده کند و هر آنچه اندوخته‌ای به تاراج ببرند. به همین دلیل خانه امن بزرگ‌ترین رؤیای ایرانیان است. چهار دیواری آرزویی است که هر کس برای خود و هر پدر و مادر برای فرزندش دارد و وقتی آن را به دست می‌آورد باز هم بزرگترین دغدغه‌اش، فراخ‌تر کردن و زیباتر کردن و افزودن به آن است. باغی در حومه یا ویلایی در شمال و جنوب یا خانه دیگری که در گوشه دیگری از شهر می‌خرد و برای روز مبادا می‌گذارد. اگر طبقات اجتماعی مشابه در ایران و کشورهای دیگر در دنیا را مقایسه کنیم ارزش و تزیینات و شکوه خانه ایرانیان بسیار بیشتر است و ایرانیان بیش از هر قوم و ملت دیگری به خانه اهمیت می‌دهند. از این مهم‌تر معماری خانه ایرانی است. در خانه‌های قدیمی هر خانه قلعه‌ای است با دیوارهای بلند و بدون تزیین، بدون هیچ روزنی به بیرون اما در درون باغچه و حوض و فواره و گنجبری و سنگ بری و کاشیکاری، درست مثل یک بهشت کوچک. حتی امروز هم که سبک معماری عوض شده دیوارها همچنان بلند است و آنجا که پنجره‌ای روبه خیابان دارد پرده‌های ضخیم هرگز باز نمی‌شود. این همان آرزویی است که در شعر حافظ مرتب تکرار می‌شود:

دیوار زیر کلاه باده کهن دومی

فراغتی و کتابی و گوشه چمنی

من این مقام به دنیا و آخرت ندهم

اگر چه در پی ام افتند هر دم انجمنی

رؤیای ایرانی درویشی و عیاری است، اهل نمایش نیست و خوشبختی مادی را در الگوی سرمایه‌داری نمی‌جوید، جنگیدن و رقابت در آن جایی ندارد تنها:

مقام امن و می‌بیغش و رفیق شفیق

گرت مدام میسر شود زهی توفیق.

شاید رؤیای ایرانی در جهت توسعه به مفهوم افزایش رشد اقتصادی نباشد اما می‌تواند احساس رضایت، خوشبختی و رستگاری بیشتری به ایرانیان بدهد.

